

سرپرست شاروالی کابل، از جریان کار ساختمان

چوک کمپنی دیدن نمود

پوهنځیار عبدالله حبیبزی سرپرست شاروالی کابل، روز جمعه گذشته از چگونگی کارهای انجام یافته در پروژه سرک سازی چوک کمپنی الی پل کمپنی که، کار آن از چندی بدینسو از سوی ریاست حفظ، مراقبت و کار شاروالی کابل آغاز گردیده دیدن به عمل آورد.



مسایل استملاکي سرک توسعه يي تانک لوگر به بحث گرفته شد



پوهنځیار عبدالله حبیبزی سرپرست شاروالی کابل، هفته گذشته طی نشست، چگونگی مسایل استملاکي جایدادهاي تحت استملاک سرک توسعه يي تانک لوگر الی ساحه چهل دختران را که قرار است کار عملی آن در آینده نزدیک آغاز گردد، با بزرگان، محاسن سپیدان، نمایندگان و مالکان جایدادهاي تحت استملاک مسير این سرک، یک بار دیگر در میان گذاشت. در آغاز، سرپرست شاروالی کابل روی ارزش سرک یاد شده به تفصیل صحبت نموده یاد آور گردید که: این سرک در امتداد جنوب شهر در کاهش از دحام، رشد اقتصاد و بلند رفتن سطح زندگی باشندگان آن ساحات نقش اساسی دارد که شاروالی کابل توانسته است با مطالعات همه

ورکشاپ مشورتی تدویر یافت

به منظور معیاری سازی گذرها و چگونگی عرضه خدمات شهری، روز پنجشنبه ۲۰ نور ۱۳۹۷، ورکشاپ مشورتی به خاطر ترتیب پلان استراتژیک ۵ ساله ناحیه نهم تدویر یافت.

در این ورکشاپ که از سوی ریاست ناحیه نهم و برنامه شهر برای همه، برگزار گردیده بود، وکلای گذر، محاسن سپیدان و باشندگان آن ناحیه، نظریات و پیشنهادات شان را به خاطر دورنمای رشد و توسعه گذرهای ناحیه نهم ارایه داشتند.

در آغاز ورکشاپ، محمد صدیق نوری رییس ناحیه نهم، روی برنامه ریزی های دورنمای شاروالی کابل و آماده شدن پلان پنج ساله استراتژیک این ناحیه روشنی انداخته گفت: با تطبیق و اجرایی شدن این پلان، گذرها معیاری و عرضه خدمات جوابگو به نیازهای محیطی می گردد و همچنان بالای سطح زندگی اقتصادی، اجتماعی و رفاهی مردم ادامه صفحه ۷



مساعدت ۶۰۰۰ اصله نهال از سوی عزیزی بانک



عزیزی بانک با مساعدت «۶۰۰۰» اصله نهال، در سرسبزی و شگوفایی شهر، طی صحبتی گفت: آرزوی ما از شهروندان کابل رعایت فرهنگ شهری و تشریک مساعی شان در تحقق اهداف ما که همانا تبدیل ساختن شهر کابل به یک شهر معیاری و مرفه است، می باشد تا همه دست به دست هم داده تلاش ورزیم شهر خود را که، خانه مشترک همه ماست بهتر از گذشته بسازیم.

موصوف در مورد کارهای انجام یافته ادامه صفحه ۷

مشکلات محیطی ناحیه سوم

به بحث گرفته شد

رهبری شاروالی کابل در جلسه که روز گذشته ۲۲ نور ۱۳۹۷، با بزرگان و نمایندگان مردم ناحیه سوم داشت، روی مشکلات محیطی در خصوص ساخت و ساز سرک ها و اولویت بندی برنامه ها بحث نمود.

در این جلسه، پوهنځیار شیخ احمد متین مشاور شاروالی کابل، ضمن استماع مشکلات و پیشنهادات باشندگان ناحیه سوم، روی تقویه روحیه همکاری و موثر خواندن نقش شهروندان در تصامیم و برنامه ریزی های شاروالی کابل، صحبت نموده گفت: نظر به امکانات دست داشته شاروالی و اصل انکشاف متوازن در نواحی مختلف شهر کابل، بسیاری از سرک ها با دیزاین جدید بعد از مطالعات فنی و مسلکی همه جانبه مدرن شهری ساخت و ساز خواهد شد که در آن، اولویت به رفع مشکلات محیطی در هر گذر از نواحی داده می شود. وی اضافه کرد که، عرضه خدمات معیاری شاروالی کابل وابسته به پرداخت محصول خدمات شهری از سوی باشندگان نواحی می باشد، نواحی که در جمع آوری عواید این اداره مطابق به پلان تعیین شده موفقیت داشته باشند، در آنجا عرضه سایر خدمات به سرعت انجام خواهد شد. ادامه صفحه ۷



کار قیرریزی ۶ سرک در ناحیه

چهارم آغاز گردید

کار قیرریزی ۶ سرک در ناحیه چهارم متصل به چهارراهی تایمینی بعد از تکمیل کار آبروها و بدنه سازی آن، روز سه شنبه ۱۸ نور سال روان آغاز گردید.

پروژه مذکور به طول مجموعی بیش از یک کیلومتر و با عرض ۱۵.۵ متر شامل ساخت آبروها بوده و قرار است تا یک ماه آینده به پایه اكمال رسیده و به بهره برداری سپرده شود.



به مناسبت هفته کتاب و کتاب خوانی نمایشگاه کتاب گشایش یافت

اطلاعات و فرهنگ و سایر نهادهای همکار گشایش می یابد، می تواند روزنه خوبی باشد برای فرهنگ مطالعه و تشویق ناشران. خبرنگار پامیر که در این نمایشگاه شرکت ورزیده بود، گفت و شنودی را با یک تعداد از شرکت کنندگان این نمایشگاه به خصوص نسل جوان داشته که همه با استقبال از گشایش همچو نمایشگاهها آن را گام موثری در ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب خوانی عنوان کردند.

شاروالی کابل در پهلوی این که به عرضه خدمات بهتر و عملی کردن سایر برنامه های شهری می پردازند، توجه به کارهای فرهنگی را نیز در محراق توجه قرار داده که در سال های اخیر در این زمینه با ایجاد فرصت های خوب برای برگزاری نمایشگاه های فرهنگی را بابرگزاری محافل و مجالس انجام داده و در نظر دارند تا دامنه فعالیت های خویش را در عرصه های فرهنگی نیز توسعه و انکشاف دهد.



به مناسبت روز قلم و هفته کتاب خوانی، چهارشنبه گذشته، نمایشگاه کتاب در لیسه غازی از سوی هیئت رهبری وزارت اطلاعات و فرهنگ با اشتراک نهادهای مختلف فرهنگی، ادارات دولتی و خصوصی گشایش یافت. به گفته مصطفی سعیدی رییس خدمات کلتوری شاروالی کابل، در این نمایشگاه بیش از ده هزار عنوان کتاب از سی ناشر و موسسه چاپ کتب بیهقی به نمایش گذاشته شده و یک هفته به روی علاقمندان باز می باشد. کتاب گنجینه و غنای پر بهایی است از فرهنگ انسانی، با دریغ که در دهه های جنگ، بحران و مهاجرت ها فرهنگ کتاب خوانی نیز کمرنگ گردیده است، ایجاد نمایشگاه های کتاب که به همکاری وزارت

کمپاین آگهی دهی تحت عنوان (از خود شروع می کنیم) در ناحیه اول راه اندازی گردید

به هدف ترویج فرهنگ عالی شهری و ایجاد محیط زیست سالم، روز چهارشنبه گذشته، کمپاین آگهی دهی تحت عنوان (از خود شروع می کنیم) از سوی ریاست آگاهی و ارتباط عامه شاروالی کابل در ناحیه اول راه اندازی شد. هدف از راه اندازی کمپاین (از خود شروع می کنیم) ایجاد روحیه همکاری میان مردم با شاروالی کابل، شناسایی مسوولیت های شهروندی، مراعات کردن حفظ الصحه محیطی و پرداخت به موقع محصول خدمات شهری که منبع تمویل پروژه های عام المنفعه و عرضه بهتر خدمات شهری می باشد، تا مردم و مسوولان در قبال شهر شان احساس مسوولیت داشته باشند.



سر مقاله



تکانه جدیدی در روند توسعه، انکشاف و آبادی شهر

امروز شهر کابل در بسیاری جهات، نسبت به دیگر کشورها عقب مانده است، این تنها ویرانی جنگ‌های دوامدار نبوده که بر دوش شهر حواله یافته، در بعد فرهنگی نیز ویرانی‌ها و صدمات شدیدی را متحمل گشته ایم. این را همه می‌دانیم که در یک دهه ونیم گذشته و به خصوص در یک و نیم سال اخیر، رهبری شاروالی کابل با تمرکز به کارهای مهم و اساسی زیر بنایی و خدماتی متناسب به نیازهای یک شهر مدرن و پیشرفته، کارهای را انجام داده و در حال اجرا است که می‌توان از توسعه و ساخت و ساز جاده‌ها، کانکریت ریزی کوچه‌ها و سرک‌های فرعی، توزیع جواز ساختمان از یک آدرس واحد، مبارزه جدی با فساد، کم کاری و ندانم کاری، الکترونیک سازی کار شیوه‌های اداری، غرس هزاران اصله نهال، بهسازی پارک‌های تفریحی با درنظر داشت اسباب و وسایل بازی و سایر ملحقات یک پارک معیاری، تشدید و مضاعف سازی کارهای نظیفی، راه اندازی برنامه طرح کاهش ازدحام، تنظیم دست فروشان در جاهای معین و مناسب، راه اندازی کمپاین آگاهی دهی در نشست‌های رو در رو و از طریق برنامه‌های هنری در مکان‌های تفریحی و نواحی مختلف شهر، نمونه‌های از کارهای خوب شاروالی کابل به شمار می‌رود که، می‌توان آن را تکانه جدیدی در روند توسعه، انکشاف، عمران و آبادی شهر کابل عنوان کرد.

اما آن چه که می‌تواند به نحوی این روند را بطی و یا کارهای انجام یافته را متأثر سازد، عدم پابندی به اصول و مقررات و قواعد شهری، تخلف‌ها در امور ساختمانی و موارد دیگری از سوی برخی از شهروندان بوده که متأثر از سال‌های جنگ و مهاجرت بوده و این امر سبب شده تا برخی از ارزش‌ها و سنت‌های شهروندی خود را از دست بدهیم و تا دوباره به احیای آن نایل نشویم، دشواری‌ها و مشکلاتی که در امور اجتماعی و شهری به آن مواجه بوده ایم، به سادگی برطرف نخواهد شد.

با توجه به آن چه گفته آمدیم، ما که یک شهروند هستیم، همان گونه که

تولنیز ژوند او د ټولنې پرمختګ

خانه خانګړي اصول او مقررات لري

ناصری

دتولنیز ژوند دا غوښتنه ده ترڅو ټول انسانان په ګډه ښاری معیارونه، ښاری فرهنگ او ښاری قوانین او مقررات په پام کې ونیسي. په یوه ښار کې چې انسانان په ګډه ژوند کوي نو دې ته اړ دی ترڅو ښاري فرهنگ، ښاري اصول او مقررات په پام کې ونیسي او که چیرې داسې ونکړي نو ټولنه او ښار به له بې شمیره ستونزو، ناخوالو او راز راز کړاوونو سره مخ شي. ښاری ژوند نن ورځ انسانانو ته یو لږ خاص قوانین او مقررات وضع کړي چې هر انسان باید هغه مراعات کړي. خو زموږ په هیواد په تیره کابل ښار کې ډیري انسانان ترینه په پټو سترګو تیرېږي. دا چې ټولنیز ژوند انسان دې ته اړ ایستلی ترڅو یو کارخانه وکړي او له هغه څخه پورته کار نورو ته ترسره کړي، خو دا هم نکوي، ټولنیز ژوند موږ دې ته هڅوی ترڅو ښاري فرهنگ، ښاري اصول او وضع شوي مقررات مراعات کړو خو موږ ورته هیڅ راز پاملرنه نده کړې ځکه دغه ټکي ځینی لاملونه لري چې بحث ورباندې کول ډیر وخت او زیاته حوصله غواړي. اوس دلته یو لړ پوښتنې رامنځته کېږي

پیوست به گذشته:

بنا بر این در چنین شرایطی باید به حفظ انواع موجود پرداخت و هم با وارد کردن انواع جدید اقدام به جنگل کاری نمود، به ویژه آن که در این سال‌ها فعالیت‌هایی در این راه به وجود آمده و هر آن لزوم اجرای طرح‌های جنگل کاری احساس می‌گردد. آثار و شواهد نشان می‌دهد که در گذشته قسمت عمده از کشورمان پوشیده از جنگل بوده، ولی امروز نشانه از آن باقی نمانده است.

برای جلوگیری از بادهای تند، ایجاد بادشکن‌ها برای احداث کمربندهای سبز ضروری بوده که برای آن‌ها باید انواع درختان و بته‌های مناسب مطالعه و دریافت گردد. مطالعه و دریافت مناسب‌ترین درختان و بته‌ها، مطالعات علمی برای احداث کمربند سبز شهر کابل یک سلسله بررسی‌ها و مطالعات علمی بوده است.

بخش اساسی این تحقیق، روش‌های جنگل کاری و احداث کمربند سبز و دریافت انواع نباتات و توافق آن در شرایط اقلیمی و ایکولوژیکی کابل که با استفاده از مأخذ دست داشته و تجارب چند ساله

بوتانیکی درختان و بته‌ها که با استفاده از مأخذ و آثار گذشته گردآوری شده است. مرحله دوم- سروی مقدماتی تشخیص و تفکیک انواع بومی و انواع خارجی که با شرایط اکولوژیکی کابل توافق دارند.

مرحله سوم- اندازه‌گیری ارتفاع، قد و حجم انواع که در بعضی پارک‌های داخل و اطراف و نواحی شهر کابل و از طریق انترنت سرعت رشد و نمو و توافق زیست آن‌ها و انواع مورد مطالعه برحسب مقاومت در برابر شرایط محیطی، استقامت در برابر توفان، گرد و خاک، زیبایی ظاهری و حداقل نیاز به محافظت، انتخاب می‌گردد.

نمونه‌های نباتی درختان از نقاط مختلف شرقی و غربی کابل، مشاهده، تصویر برداری و بعضاً برگ‌ها و تخم‌ها و پوست شان، جمع‌آوری گردیده و جهت تشخیص به کتب و فلورا قابل دسترس و لابراتوار پوهنګی زراعت انتقال یافتند، هر تشخیص درختان و بته‌ها تا سطح نوع تثبیت ساحه، انتشار طبیعی آن‌ها از مأخذ استفاده به عمل آمده است.

در نتیجه تشخیص انواع درختان و بته‌ها مجموعاً ۴۶ نوع درختان و بته‌ها عناصر اساسی سیستم ساحات سبز مورد استفاده عامه



شهر کابل را تشکیل می‌دهد که این انواع درختان و بته‌ها به ۳۳ جنس و ۱۹ فامیل نباتی تعلق دارند که از جمله ۴۶ نوع درختان و بته‌ها به تعداد ۲۰ نوع باقی‌مانده درختان و بته‌های بومی افغانستان نبوده، بلکه معرفی شده از خارج می‌باشند.

در آغاز صورت توافق، ۹ نوع نباتات مطالعه و بعداً ۳۳ نوع درخت و درخت‌چه‌های که در شرایط آبی و للمی طی سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۸۹ مطالعه شده است و بیشتر صورت توافق بید روسی، اکاسی، ارغوان، شنگ و پشه خانه مورد تحقیق قرار گرفته است.

به اساس نتیجه سنجش ارتفاع، وقتی که شرایط آبیاری برای بید روسی، ارغوان و شنگ مساعد باشد، رشد بلند دارند و از سوی دیگر، قرار سنجش، ارتفاع درخت اکاسی در

در زمینه از تهیه اولین مطالعه تا به امروز چندین سال می‌گذرد.

با جمع بندی نقش جنگل کاری و ایجاد فضای سبز و این که جنگل کاری به مجموعه اقداماتی که منجر به برپاس ساختن و استقرار جنگل به روش مصنوعی می‌گردد.

کار تحقیق، مطالعه و دریافت مناسب‌ترین درختان و بته، همراهی احداث کمربند سبز شهر کابل، در سه مرحله صورت گرفته است:

مرحله اول- جمع‌آوری معلومات در مورد درختان و بته‌ها که به شرایط خاص اقلیمی و محیطی کابل مناسب بوده و ارزش اقتصادی، محافظتی و زینتی دارند، انتشارجغرافیایی منطقه بندی، اوصاف

مطالعه و دریافت مناسب ترین درختان و بته‌ها برای احداث کمربند سبز شهر کابل

پوهندوی نثار احمد کوهستانی

شرایط کمی آب بلندتر نشان داده شده است و برای پشه خانه آبیاری شده کدام اثر قابل توجه در ارتباط ارتفاع درخت ندارد. مقدمه

با توجه به اهمیت، منابع طبیعی و به خصوص جنگل‌های سرسبز و خرم که قسمتی از کره زمین را پوشانیده است و هم‌چنین موقعیت اقلیمی افغانستان که سطح وسیعی آن را مناطق خشک و یا نیمه خشک در بر گرفته، می‌توان بلادرنګ به اهمیت جنگل کاری در کشورمان پی ببریم، به ویژه آن که در این سال‌ها فعالیت مادی در این راه به وجود آمده و هر آن لزوم اجرای طرح‌های جنگل کاری احساس می‌گردد. آثار و شواهد نشان می‌دهد که در گذشته قسمت عمده از کشورمان پوشیده از جنگل بوده است.

برای جلوگیری از بادهای تند، ایجاد باد شکن‌ها برای احداث کمربندهای سبز ضروری بود که برای آن‌ها باید انواع درختان و بته‌های مناسب مطالعه و دریافت گردد.

در ایجاد فضای سبز و جنگل کاری باید توجه داشت، وارد کردن انواع درختان خارجی و جنگل کاری با آن‌ها در سطوح وسیعی نیاز به مقدماتی دارد که باید فراهم شود، در مرحله اول باید تحقیقات لازم انجام گیرد، تا امکان توافق انواع مورد نظر تعیین گردد، نتیجه مثبت حاصل از مرحله اول، منجر به کشت آن نوع در مرحله دوم و در سطوح بزرگ‌تر به صورت وسیع و در نقاط مختلف جنگل می‌گردد تا بررسی‌های لازم به صورت اصولی‌تر انجام گیرد. در مرحله سوم زمانی که رضایت کافی انواع جنگل در مراحل قبلی حاصل شد، با اطمینان بیشتری به جنگل کاری آن اقدام می‌شود. شایان ذکر است که، از کشت یک نوع در سطوح وسیع، باید خود داری شود، همیشه جنگل کاری چند نوع با هم موافق‌تر از جنگل کاری با یک نوع خاص است، ذکر این نکته نیز ضروری است که در جنگل کاری (هر هدف) باید تحقیق و جستجو در مورد انواع بومی و جنگل کاری با آن نوع همیشه در اولویت باشد، چه بسا انواع بومی هدف مورد نظر ما را تأمین کند. دلیل این امر آن است که انواع بومی سال‌های طولانی در محل رشد کرده و با آب و هوا و شرایط محیطی توافق پیدا کرده اند. بنا بر این کاشت آن‌ها مسلماً با موفقیت بیشتری همراه خواهد بود.

ادامه دارد

به نظر شما شهروند خوب کیست؟

محمود کاروان هنرمندی است، که در کابل زندگی می کند، از او پرسیده شده است که شهروند خوب کیست؟



جواب- شهروند خوب یک راننده است که در سطح شهر قانون و مقررات شهری و ترافیکی را مراعات نماید، مطابق رهنمایی چراغ های ترافیکی در شهر با موترش گشت و گذار کند، در جاهای نامناسب و منع توقف، توقف نکند، در نزدیکی مراکز درمانی هارند نکند و هم چنان با شهروندان برخورد نیک داشته باشد.

نیکیدار خانمی که در بخش صفایی شهر کابل کار می کند و کارگر ریاست نظیف شاروالی کابل است، او می گوید:



به نظر من شهروند خوب یک مادر است، مادر که با پول اندک از بازار تکه خریداری کند، در خانه خریطه بدوزد و از آن به جای خریطه های پلاستیکی برای خریداری مواد خوراکی خانه خود استفاده کند. چون استفاده از خریطه های پلاستیکی از سوی مسوولان شاروالی کابل مدتیست به دلیل اضرار صحتی آن با جدیت ممنوع قرار داده شده است. با درنظر داشت این مسئله، من به عنوان یک مادر خواهشمندم که مادران عزیز برای فرزندان خود نیز بفهمانند که در وقت خریداری مواد ضرورت خانه، از خریطه های تکه یی استفاده کنند.

عبداللہ می گوید که، شهروند خوب شخصی است که، در محلات عام، رفع حاجت نکند و اگر متوجه می شود شخص این کار را می کند باید برای او بفهماند که در آینده متوجه باشد و تکرار نکند.



محبوبه که خانم خانه است در این مورد می گوید: شهروند خوب راننده است که در سیت پیش روی موترش دو مسافر را نشانند، چون مدتیست که از طرف ترافیک و



امید فیضی

شاروالی کابل گفته شده است، انتقال دو مسافر در سیت پیش روی موترهای شهری، خلاف قانون و مقررات شهری است و راننده ها با این خلاف رفتاری شان جریمه می شوند.

نادیه مایار، که یک معلم است از او پرسیده شده است که، از دیدگاه یک معلم شهروند خوب کسی است؟



جواب- اکثریت خانواده ها و باشندگان عزیز شهر کابل عادت دارند که مواد اضافی و کثافتاتی که قابل تجزیه نیستند داخل آب روهای کنار خانه های شان را جاده های عمومی می ریزند که این کار شان باعث بندش آب روها، می شود، بناء از دیدگاه من شهروند خوب کسی است که، زباله ها را هیچ گاه روی جاده ها و آب روهای شهر نریزند تا آب روها بند نشود و کارهای مسوولان شاروالی کابل زیر سوال نرود.

محمد اکبر درمان رئیس شورای مردمی ناحیه چهارم شهر کابل می گوید:

شهروند خوب کسی است که، در برابر نظافت



شهر خود، مثل نظافت خانه خود توجه جدی داشته باشد و هیچ گاه دست انتقاد به سوی مسوولان شاروالی کابل بلند نکند چون در برابر شهر تنها شاروالی مسوول نیست.



نجرابی از باشندگان شهر کابل که، در ورکشاپ آگاهی دهی تحت نام «از خود شروع میکنم» شرکت کرد بود می گوید: من در این ورکشاپ آموختم که نقش سرسبزی در کاهش آلودگی هوا خیلی موثر است، بناء از دیدگاه من شهروند خوب کسی است که در سرسبزی و نگهداری ساحات سبز احساس مسوولیت نماید.

سید بلال سادات می گوید: شهروند خوب کسی است که، از ساحات سبز شهر، به مثابه ساحات سبز داخل حویلی خود محافظت کند، چون درختان و نباتات نقش ارزنده در کاهش آلودگی هوای یک شهر دارند.

فصل گرما آمد

مراقب صحت خود و خانواده خود باشیم!

پرونده

با این همه تلاش هایی که در حفاظت از محیط زیست صورت می گیرد، پرسش در این است که، شهروندان به چه اندازه به این امر مهم و حیاتی توجه کرده و از انداختن مواد اضافی و خوراکی های پسمانده در کوچه ها، جویچه ها و در نقاط نامناسب جلوگیری می نمایند، که این امر در نخست به آگاهی دهی نیاز دارد که در این زمینه رسانه ها به عنوان نیروی تأثیر گذار بر افکار عمومی جامعه خوب تر می توانند آسیب های که از رهگذر آلودگی محیط زیستی به وجود می آید، مردم را در روشنایی قرار دهند تا باشد در کارهای عمومی، در تأمین نظافت شهر به عنوان مؤثرترین وسیله وقایه، نگرانی های که از این رهگذر به وجود می آید برطرف گردد.



د ښار د پاکولو په موخه د ښاروالۍ هلې ځلې، د گرځنده پلورونکو د ناوړه فعالیتونو قرباني کیږي

فهمیم

هرڅه یې ښاروالۍ ته پریښي دي. دا په داسی حال کی ده چې، د ښاروالۍ دتنظیف عمله او کار کوونکي، شپه ورځ لگيا دي او زیار باسي تر څو ښار پاک او خپلو ښاریانو یوه پاکه فضا اوپاک چاپیریال رامنځته کړي.خو څنگه چې لیدل کیږي دتنظیف دعملې هلې ځلې په ښارکې دگرځنده پلورونکو دناوړه فعالیتونوقرباني کیږي. لکه پورته جی یادونه وشوه، همدا ښاریان په تیره گرځنده پلورونکي دی چې، دښار او چاپیریال په ککړتیا کې رول لری. نو په پای کې دې پایلی ته رسیږو ترڅوچې،ښاریان په تیره گرځنده پلورونکي د خپلو ورځنیو چارو د پرمخ بیولو پر مهال، دخپلې سیمې پاک ساتلوته پام ونکړي او ددوي فعالیت داروندو ادارو له لوري کنترول نشي، دښارپاکید ل له امکان څخه لرې ښکاري او په هیڅ هیواد کې ښاروالۍ نشی کولای د خپلو ښاریانو له مرستو او له اړینوامکاناتو پرته په دغې ستونزې لاس بری ومومی.

نورو ښارونو په پرتله وروسته پاتې او د کثافتو د شتون او ډیر والی له مخی یو ککړ ښار بلل کیږی، ځکه په دې برخه کې د ښاریانو د هیڅ راز مرستو ښیې ښایي نه لیدل کیږی. کابل ښاروالۍ سره له دې چی له یو لړ ستونزو سره مخ ده خو بیایې هم خپلې هلې ځلې جاري ساتلې او په دې توانیدلې چې په یوشمیر برخو کی ترډیره پورې بریالی شی او د خپلو ښاریانو دهوساینې په موخه یې په یو لړ ستونزو لاس بری موندلی. خو یوه ستونزه چې تراوسه پورې د دغه ارگان په وړاندی پرته ده هغه دښار ککړتیا او په ښار کې د کثافتو د تولید د کچې زیاتوالی اویسه دې اړه له ښاروالۍ سره دښاریانو په تیره دگرځنده پلورونکو نه مرسته کول دي. د یادې ستونزې د رامنځته کیدواو پراخیدو یو لامل دا دی چې، په ښار کې د خلکو ګڼه ګوښه اونفوس په بیساری توګه زیات شوی، بل دا چې په دې برخه کې ښاریان او ځیني اړونده ادارې هیڅ راز مرستو ته زړه نه ښه کوی او

دا ټولو ته څرګنده ده چې ښاروالۍ د ښاری ستونزو د له منځه وړلو اوخپلو ښاریانو ته دښه ژوند او د پاک چاپیریال د رامنځته کولو دنده او مسوولیت په غاړه لری. خو ددې ترڅنګ،له ښاروالۍ سره د خلکو هر اړخیزې مرستې کولای شي د ښاری ستونزو په له منځه وړلوکی ګټوری ټا بټي شي،چې په نورو هیوادونوکې د ښارونو پاکوالی، سمسورتیا ، ښکلا ، زرغونتوب او آبادی، ددې خبری ښه ثبوت کیدای شي.نو له دې امله له ښاروالۍ سره دښاریانو مرسته یوه جدی اړتیا ده چې باید ترسره شی. څنګه چې تجربو ثابتہ کړې، ترڅو خپله ښاریان د خپل ښار په سمسورتیا او پاکوالي کې برخه وانخلي او له ښاروالۍ سره د ښاری ستونزو په لمنځه وړلو کې د مرستې لاسونه یونکړی نه یواځې دا چې، ښار ی ستونزې له منځه نه ځي بلکې، نورې ستونزې به هم سر راپورته کړی چې هغه وخت به یې له منځه وړل ډیرګران وی.څنګه چې لیدل کیږی کابل ښار نن ورځ د نړۍ د

قصیده، قالب پر مایه شعر فارسی

بخش اول:

غلامی ۷

را با دعای جاویدانگی برای ممدوح خویش ختم می کردند.

پس از پا گرفتن دولت سامانی، قصیده رونق بیشتر یافت. ثبات و نظم در حکومت آل سامان، فرصتی خوبی برای خلق آثار منظوم و منثور گردید. عهد سامانیان عصر با شکوه و طلایی نظم و نثر زبان فارسی می باشد. امرای سامانی همه سخن شناس بودند و سخن پرور، دست گیری بی چون و چرای سامانیان از شاعران و نویسندگان سبب شد آثار بی بدیل زبان و ادب فارسی در این عصر به وجود آید و شاعران بی شماری از هر گوشه و کنار قلمرو زبان فارسی سر بلند کردند. شهید بلخی، ابو شکور بلخی، دقیقی بلخی، رابعه بلخی، رودکی و دیگران، شاعران مشهور عصر سامانیان گفته شده است. نماینده و پیش کسوت همه این شعرا، استاد شاعران، ابو جعفر رودکی می باشد. رودکی سمرقندی، زاده، سال ۲۴۴ هجری قمری از جمله شاعران است که حق استادی را بر همه شاعران بعد از خود دارد، زیرا وی در همه قالب های معمول آن وقت شعر فارسی، از رباعی گرفته تا قصیده و غزل طبع آزمایی کرده است. اما شهرت رودکی در عصر سامانیان، بیشتر در قصیده سرایی بوده است. قصیده بوی جوی مولیان از مشهورترین قصیده های رودکی است که امیر سامانی را به حدی مجذوب ساخت که برای برگشتن به بخارا لحظه درنگ نکرد و پا برهنه سوار اسب شد.

بوی جوی مولیان آید همی

یاد یار مهربان آید همی

ریگ آموی و درشتی راه او

زیر پایم پرنیان آید همی

آب جیحون از نشاط روی دوست

خنک ما را تا میان آید همی

ای بخارا! شاد باش و دیرزی

میرزی تو شادمان آید همی

میرماه است و بخارا آسمان

ماه سوی آسمان آید همی

میر سرو است و بخارا بوستان

سرو سوی بوستان آید همی

آفرین و مدح سود آید همی

گر به گنج اندر زبان آید همی

ادامه دارد

بعد از آن که زبان فارسی رشد کرد و فرصت سخنوری ایجاد گردید، شاعران از هر گوشه و کنار خطه زبان فارسی ظهور کردند و به سرودن شعر پرداختند. شکل گیری دربارها و موجودیت سخن شناسان درباری، ایجادگر و مشوق اصلی سخن موزون و مقفا گردید. خداوندان کلام، با اغتنام از فرصت سعی کردند دماغ وزرا و سلاطین را با کلام آهنگین مسحور نمایند، از این رو شروع کردند به سرودن شعر. شاعران با آگاهی از ساختار و درونمایه قصیده، پی بردند که با به کارگیری این قالب، می توانند خوب تر در ذهن و ضمیر ممدوحان مسلط شوند. دست گیری و صله بخشی های گزافانه، شاعران را مجذوب می کرد و به سوی دربارها می کشانید. شاعران درباری، تنها برای یک هدف مشخص آن هم گرفتن صله خوب تر از ممدوح شان، خون دل می خوردند و قصاید زیبا و آکنده از ستایش و توصیف های اغراق آمیز آماده می کردند. قصیده قالبی است که به تقلید از شعر عرب از قرن سوم به بعد در شعر فارسی معمول گردید. موضوع و درونمایه قصیده، مدح، مفاخره، عرفان، فلسفه و غیره می باشد.

تعریف قصیده:

قصیده شعری است که مصراع اول و مصراع های زوج آن با هم هم قافیه بوده و تعداد ابیات آن بیشتر از پانزده بیت باشد. کاهش و افزایش، کوتاهی و بلندی قصاید، بستگی به اهمیت موضوع و طبع شاعر دارد و قصایدی تا حدود هفتاد و هشتاد الی صد و پنجاه بیت در شعر فارسی وجود دارد و هر قصیده دارای چهار بخش می باشد:

الف- تغزل: مقدمه قصیده می باشد با مضامینی چون عشق، وصف طبیعت و یاد جوانی.

ب- تخلص: رابطه میان مقدمه با تنه اصلی قصیده است.

ج- تنه اصلی قصیده: مقصود اصلی شاعر می باشد با محتوای چون مدح، رثا، پند، حکمت، عرفان و غیره.

د- شریطه: ابیاتی با مضمون دعای خیر و جاویدانگی برای ممدوح، رسم شعرای مدیحه سرا این بود که قصاید مدحی شان

دنیای شاعرانه، آهنگین، آتشین و زیباست

گفت و گو با فریا آتش صادق، شاعری که عاشقانه می سراید

سید میلاد هاشمی ۷

پرستی شما است؟

ج- بلی، سروده های برای دردهای میهنم و هم برای عشق به هم میهنانم دارم، خیلی دلم می خواهد تا در میهنم باشم و آرزو می برم تا روزی در کشور ما صلح برقرار شده و ما دور افتاده ها در کنار هم میهنان خویش باشیم و برای پایان دردها بسرایم.

س- چند جلد کتاب دارید و با کدام نام ها، آیا دیوان تازه دیگری هم روی دست دارید؟

ج- خوشبختانه بی کتاب نیستم، یک مجموعه شعری دارم و مجموعه شعری دیگرم به زبان آلمانی آماده چاپ است که به زودی به دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت و دو مجموعه شعری دیگر آماده چاپ دارم و آرزو دارم تا به زودی به میهن بیایم و آن ها را به دست چاپ بسپارم.

س- اشعار تان را بیشتر به چه تشبیه می کنید، چیز زیبا و دوست داشتنی مشابه به چکامه های تان را در زندگی می بینید؟

ج- اشعار من خون دلم اند، رشته های احساس من اند، ناگفته های هزاران بانوی دیار من اند، فقط همین، نمی خواهم آن ها را با چیزی تشبیه نمایم. زیبایی های چکامه هایم را در آفتابی بودن هم میهنان و لبخند هزاران کودک آن می بینم.

س- بر علاوه سروده های تان، آیا از شاعران دیگر هم الهام می گیرید، اشعارکی ها را می خوانید؟

ج- در حالی که اشعار شاعران متقدم هم میهنان و همزبانان مانرا مطالعه می کنم و می آموزم، برایم سروده های سرود گران برون مرز نیز دلچسب و زیبا اند.

س- یگانه آرزوی شما در زندگی چیست؟

ج- یگانه آرزویم آرامش هم میهنانم و کوتاه شدن دست جنگ از میهن دوست داشتنی ام می باشد. با این بیت کوتاه، دست تک تک هم میهنان ام را از راه دور می فشارم.

گفتی مرا ببر به غزل های چشم خود تو در میان چشم من و من کجا برم؟

زنی که در «پستوهای خانه» زندگی می کند در چیست؟

ج- اگر نگاه کوتاهی بر زندگی گذشته بانوان در کشور داشته باشیم، آن ها نیز در پستوهای خانگی احساسی داشته و اشعاری سروده اند، که حتا شنونده نداشته و اما تفاوت زندگی امروزی یک شاعر و آن بانوی پستو نشین در این است که شاعر امروز شعر را بر گزیده و با کلام و برش موزون می خواهد بی هراس در مقابل تاریکی ها با مشعل دانش به پیش برود و هم می خواهد با کلام شعری روزنه های را برای بانوان پستو نشین بگشاید تا آن ها هم روزی بتوانند این مشعل فروزان را به دست گرفته و خواست های منظوم شان را آزادانه به جامعه تقدیم نمایند. س- در مورد اشعار تان بگویید،



بیشتر به کدام قالب ها و سبک ها هستند؟

ج- سروده هایم را هم چو فرزندانم دوست دارم، چون هر یک آن ها از ریشه دل و احساس من جان گرفته اند، بیشتر غزل سروده ام و غزل را دوست دارم، اما وابسته به قالب خاصی نیستم در هر سبکی که شیره احساسم پیچید، می سرایم.

س- کدام نمادها در اشعار تان جای دارند، چقدر شاعر آب و آینه هستند یا بر عکس سیاست زده و سیاسی؟

ج- در سروده های من بیشتر انسان دوستی و عشق بر انسان جاریست، شما از آب و آینه گفتید و من می گویم که در سروده هایم گاهی آبم و گاهی آتش، در شرایط وخیم

کنونی میهن هیچ سرودگری را سراغ ندارم که از حال و احوال میهن و هموطنانش نسراید و دردهای شان را حس نکند، اما من با وجود درک همه آلام وطن، بیشتر می کوشم شاعر مردمی باشم تا سیاسی.

س- آیا شما سروده های میهنی هم دارید و درد غربت دلیل این میهن

شعر مجموعه از احساسات و عواطف فردی است که در وجود برخی ها به گونه های موزون و آهنگین به بیرون می تراود. شاعران انسان هایی هستند که احساسات و زندگی شان با عشق، موضوعات اجتماعی و حتا سیاست گره خورده است.

زچشمانم غزل جاریست ای عشق

زلب هایم عسل جاریست ای عشق

صدافت از دل پاک وجودم

به سویت از ازل جاریست ای عشق

این نمونه یکی از شعرهای «فریا آتش صادق» است، شاعری که در رشته خبرنگاری و پرستاری درس خوانده. فریا سال هاست درد غربت و مهاجرت را تجربه می کند و با خانواده اش در آلمان به سر می برد.

او در یک خانواده هنرمند به دنیا آمده، پدرش استاد رفیق صادق، یکی از بنیان گذاران تیاتر و به ویژه تیاتر اطفال در افغانستان بود. در مورد فعالیت ها و سروده های این شاعر، خبرنگار نشریه پامیر مصاحبه را از راه دور، با وی انجام داده است که تقدیم می گردد:

س- در مورد زندگی و فعالیت های روز مره تان چیزی بگویید!

ج- درود و سپاس از این که علاقه گرفتید تا با من صحبتی داشته باشید. زندگی، زندگی غربت است، از دور دست ها به میهنم می نگرم و با شکست هر شاخ آن درخت تنومند به زمین می خورم. کار روزمره ام شنیدن خبر از حال و احوال میهن، کار کردن هم چو ماشین و سرودن شعر است در غربت.

س- شعر چه حسی است در نهاد شما؟

ج- شعر نگاه دل و تأمل خلسته احساس من است.

س- چه زمانی احساس کردید که قادر به سرودن شعر هستید و تمایل به شعر سرودن را دارید؟

ج- شعر همیشه در نهادم تبلور داشت و شانزده ساله بودم که آن احساس عجیب دستم را گرفت و مرا برد به باغ نظم تا محبت های مادر را با کلام موزون بیان دارم و همان بود که آن مرواریدها را در وصف مادر به نام شعر روی کاغذ ریختم.

س- تفاوت یک زن شاعر تا یک

اگر سخن به مطلقیت نگفته باشم، استاد حیدری وجودی را می‌توان آخرین حلقه از سلسله شاعران عارف در افغانستان دانست.

حالا شاید چنین بزرگوارانی در گوشه و کنار این سرزمین زیست می‌کنند و با دم گرم عرفانی خویش در پیکره شعر شور و حالت عارفانه می‌آفرینند، اما با دریغ من در زمینه اطلاع و شناختی ندارم.

استادحیدری و جودی نه تنها در عرفان نظری و عملی جای گاه بلند و ستایش بر انگیزی دارد، بلکه شعرهای او خود منبر با شکوهی است که پیوسته از آن پند، اندرز، عشق و بینش‌های عارفانه چنان طیفی از نور در دل‌های اهل دل راه گشوده است.

این عشق و بینش به ویژه غزل‌های او را به چشمه‌سار گوارایی بدل کرده است. چشمه‌سار شفاف، سرد و گوارایی در یک تموز داغ، چشمه‌ساری که تا می‌نوشی، پیوسته می‌خواهی بنوشی و بنوشی. او را می‌توان حلقه وصلی در میان شاعران کلاسیک و مدرنیست نیز خواند. با آن که او هیچ گاهی نخواست است تا گاهی به آن سوی دیوارهای پست و بلند اوزان عروضی بردارد، با این حال من جایی نشینده‌ام و گاهی هم از او نخوانده‌ام که، در برابر جریان‌های نوین ادبی به مقابله و پر خاش بر خاسته باشد. آن گونه که شماری چنین کرده‌اند.

پیوسته از استاد حیدری در گفت و گو‌هایش

مرگ و برادرش، آخرین رمان خسرومانی است که زمستان سال گذشته در کابل به چاپ رسید. رمان از اینجا شروع می‌شود که: نویسنده‌یی در پاریس از جشنی به خانه بر می‌گردد. ساعت ۱۲ شب است. تلاش می‌کند بخوابد اما نمی‌تواند، خوابش نمی‌برد. تا صبح چندین بار پشت میز کارش قرار گرفته اما هیچ نتوانسته حتا یک کلمه بنویسد. ساعت ۶ صبح می‌شود و دوباره به بسترش پناه می‌برد و اندکی بعد به خواب می‌رود. داستان دقیقن از همین‌جا شروع می‌شود.

اصل قصه

جوان «تکیده»‌یی از خانه بیرون می‌شود تا در کافه‌یی در پُل سرخ به دیدن معشوقش برود، اندکی بعد موشکی به خانه‌شان اصابت می‌کند و پدر و مادر و خواهر و برادرش از بین می‌روند و دو ساعت بعد از واقعه، خبر می‌شود و دوباره به خانه بر می‌گردد.

دروازه مان با این ماجرا به روی مخاطب گشوده می‌شود و محور رمان را نیز همین حادثه شکل می‌دهد و ماجراهای بعدی، یکی پی دیگر اتفاق می‌افتند و دایره را تشکیل می‌دهند که ساختمان مکمل رمان

حیدری وجودی، آخرین حلقه از سلسله شاعران عارف

نوشته از استاد پرتونادری

حقیقت ادامه گذشته است و عناصری کهنه را در خود دارد، منتها این عناصر در یک پیوند نو و تازه در یک ساختار تازه هویت تازه و عمل کرد تازه می‌یابد.

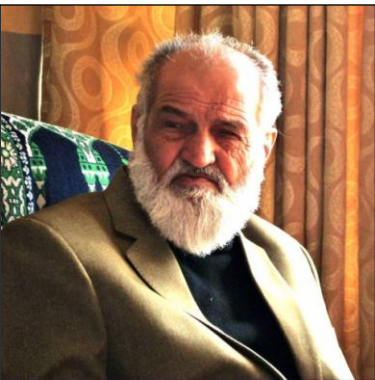
من به یاد دارم که بارها حیدری وجودی شعرهای آن شمار شاعرانی را که پس از سال‌ها تجربه موفقانه در عوالم عروضی به عوالم عروض آزاد و شعر سپید راه زده‌اند با شعرشاعرانی که به تعبیر اهل کمپیوتر «شارت کت» راه زده‌اند و یک شبه شده‌اند پست مدرنیست، مقایسه کرده و گفته است: تا زمانی که شاعری سرایش در اوزان عروضی را با موفقیت تجربه نکرده باشد نمی‌تواند یکی و یک بار در عوالم شعر آزاد عروضی و سپید گل کند و اقبالی به بار آورد.

این گونه نگرش و دریافت از جریان شعر معاصر افغانستان مخالفت با جریان‌های مدرن شعری و ادبی نیست.

چنین است که حیدری به حلقه پیوند در میان شاعران نسل کلاسیک و مدرن بدل می‌شود. چنان که او در یک جهت دوستی و ارادت استواری با صوفی عشق‌ری داشته و روزها را در کنار او به سربرده و در جهت دیگر یک چنین محبت، عشق و ارادت را به واصل و باختری شاعر مدرنیست و یکی از راه‌گشایان

و یا هم در نشست‌های رسمی و غیر رسمی شنیده‌ام که شاعران جوان مدرنیست را به فراگیری ادبیات کلاسیک، معیارها و موازین شعر کلاسیک پارسی‌دری فرا خوانده است.

حیدری بر این نکته تأکید داشته است که بدون آگاهی از ضابطه‌های ادبیات کلاسیک نمی‌توان از نوآوری و مرحله نوین در شعر و شاعری سخنی به میان آورد. البته تأکید



حیدری بر آگاهی از ادبیات کلاسیک، مکتب‌ها و جریان‌های ادبی گذشته به مفهوم مخالفت و پر خاش او در برابر جریان‌های نوین ادبی نیست. برای آن که هر مرحله تازه و نو، بر اساس یک مرحله کهنه شکل می‌گیرد و پدید می‌آید، از این نقطه نظر هیچ چیز تازه و بدون ارتباط با گذشته در هیچ زمینه علمی، ادبی و هنری نمی‌تواند وجود داشته باشد.

حتی می‌توان گفت که، هیچ اختراعی هم نمی‌تواند کاملاً نو باشد، هر اختراعی در

مرگ و برادرش در «کابل عجیب»

را می‌سازد.

در رمان مرگ و برادرش، برخلاف رمان‌های دیگر، مخاطب به تعدد ماجراها و شخصیت‌ها رو به رو است: ۳۳ ماجرا در رمان جای دارد و هر کدام ماجراها، شخصیت و شخصت‌های خودشان را دارند که چیزی در حدود ۶۰، شخصیت مرکزی و فرعی در آن وجود دارد و این دقیقن شبیه روشی است که مهدی موسوی در «رمان گفتگو در تهران» از آن استفاده کرده است اما با این تفاوت که شخصیت‌های «رمان گفتگو در تهران»، همه نام دارند، در مرگ و برادرش



شعر نیمایی و سپید در کشور و شاعران دیگری از این تیره و تبار نیز داشته است.

روزگاری که این همه ادبیات و فرهنگ فر و شکوه خود را از دست نداده و ارزش انسان‌ها با معیارهای بازار آزاد سنجیده نمی‌شد، دفتر حیدری در کتاب‌خانه عامه جای گاه دیدار شاعران، نویسندگان و پژوهش‌گران و جای گاه بحث‌های دل‌نشین ادبی بود، بزرگان بحث می‌کردند و جوانان می‌آموختند. شمار زیادی از شاعران جوان از همین نشست‌ها راه خود را به سوی رسانه‌ها باز کردند و از این نقطه نظر او گاهی خود به مانند یک نهاد فرهنگی اثر گذار بوده است. من نمی‌دانم که این روزها کتاب‌خانه عامه چه حال و هوایی دارد! اما تا جایی که می‌دانم هنوز زمزمه:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند

از جدایی‌ها شکایت می‌کند

از حلقه مثنوی خوانان که به دور استاد حیدری در کتاب‌خانه عامه گرد می‌آیند، بلند است. باری در پیوند به این جای گاه او گفته بودم:

هر هفته در روزهای دوشنبه و پنج شنبه، آن گاه که خورشید کابل در آن سوی کوه‌های پغمان غروب می‌کند، صدایی از کتاب‌خانه عامه کابل بلند می‌شود

ادامه صفحه ۶

مسوول محله، ملا صاحب، مرد گور کن... شبیه کاری که ژوزه ساراماگو در رمان کوری کرده بود.

رمان، خواننده را در میان انبوهی از ماجراها رها می‌کند، ماجراهایی که همه در پایان به مرکز پیوند می‌گیرند. سیر حرکت رمان مرگ و برادرش، به شکل عمودی نیست که آغاز و اوج و انجام رمان را به دست مخاطب بدهد، بلکه حرکت رمان، به شکل افقی است: مسئله اصابت موشک در خانه و از بین رفتن چهار تن از اعضای خانواده در این حادثه که به عنوان محور رمان است، در وسط ماجراهای رمان قرار می‌گیرد و ماجراهای دیگر به شکل حلقه گرد آمده به دور آن، می‌چرخند و بدنه کل رمان را می‌سازند.

مرگ و برادرش، در واقع متشکل از ۳۳ داستان/داستانک‌های مستقل اما مرتبط به هم است و یا مرگ و برادرش، پاره‌های پیوسته‌یی هستند که هریکی به شکل هنرمندانه‌یی با مرکز رمان (مسئله اصابت موشک به خانه‌یی که سبب کشته شدن اعضای آن خانواده شد) ارتباط می‌گیرند.

ادامه صفحه ۶

بامداد تازه

نجیب‌الله ایجاد

در بامداد تازه نفس خوشنوار بیا

با پرتو امید دل آشنا بیا

یکبار به هستی بیرونیت نگر

آنگاه ز دل و دیده هر بینوا بیا

چشم و چراغ هستیت روشن نما ز مهر

در زیر نور خورشید خوشتر ز ماه بیا

صیقل نما دلت ز تاریکی‌های جهل

خوش‌تر ز ما و مشتری ای دلربا بیا

پرورده امید و وفا و سخنوری

در مجمه فضل و کمال و غنا بیا

کن دلبری به اهل دل و دلبران خویش

در باشگاه گل نفسان خوشنما بیا

دل بر ز عاشقان دل‌انگیز و دلبرت

از کوره راه درد و الم پیش ما بیا

جان را به راه و مقدم فرزانه گان بنه

در این جمع دانشوران با اعتنا بیا

در بزمگاه هم نفسان شیرین کلام

با شعر و با ترانه و با بوی ماه بیا

آهنگ دل نواز و حقیقت‌گرا بمان

فانوس پر فروغ به شب شعر ما بیا

بگذر ز کینه توزی و رنگ ریا و بغض

در انجمن پاک‌دلان بی ربا بیا

دل را بنه بر پای عزیزان هم صدا

در کلبه فقیری ما بی صدا بیا

با هر که میرسی سخن از مهر و ماه بگوی

ای پرتو امید دل بینوا بیا

جان را به خدمت رخ ماه ات نهاده ایم

با جلوه‌های ناز، تو شیرین ادا بیا

بیدار شو ز خواب طلایی غفلت

با صبح آرزو به دیدار ما بیا

تا کی تو تن به خواهش بیگانه گان دهی

هوشیار شو به خانه و جا و جگا بیا

جانا ترا ز خدمت بیگانه گان چه سود

برخیز نزد اهل وقار و حیا بیا

میهن ترا مادر و ملت برادر است

در شهر دل به خدمت ملک خدا بیا

جا کن تو خود به قلب و دل ملت غیور

«ایجاد» شو به دیده چو نور نگاه بیا

یو والی او همغږي، انسان خپلې ټاکلې موخې ته رسوي

ناصری ۷

انسان د پاک خدا ی (ج) بنده او د یوه ټولنیز موجود په توګه، له ټولنیز ژوند پرته ژوند نشي کولای، ځکه په ټولنیز ژوند کې د انسان د ژوند لپاره ټولې اړتیاوې ترلاسه کیدای شي، چي داسی ژوند بیا له نیکمرغیو او ښیګڼو ډک وی، خو په هغه صورت کی چي د ټولنی غړی د خپلې ټولنی په وړاندی د مسوولیت احساس وکړی او خپل ټول فعالیتونه د درک او احساس له مخی په پوره امانت داری، صداقت او رښتینولۍ سره پرمخ یوسی. که موږ ښه سوچ وکړو، ټول د یوی ټولنې غړی یو، که ټولنه د بد مرغۍ په لور درومی، که فساد پکی خوریږی، که اقتصادی بحرانونه او ستونزی پکی رامنځته او د پرمختګ له کاروان څخه وروسته پاتی کیږی، درد یی ټولو ته رسیږی او عاملین یی موږ خپله یو. د ټولنی هر غړی په دی هڅه کې وی ترڅو خپل ځانته یو ښه او سوکاله ژوند غوره کړی او هیڅوک نه غواړی چې ژوند او ټولنه یی له بد مرغیو او نیمګړتیاوو سره مل وی. خو د ځینو خلکو بې احساسی او

بی مسوولیتی ددې لامل کیږی ترڅو ټولنه د بد مرغیو په لوری ولاړه شي. که په حقیقت سترګی پتی نکړو، پرونی او نننی کړاوونه، بیوزلی، بیکاری او نور ورته ناوړه عملونه چی، نن ورځ موږ ورسره لاس او ګریوان یو او ځان نشو ترینه ژغورلای دا ټول ددغی ټولنی د یو شمیر بی احساسه اوبی مسوولیته غړو، دناوړه کړنو او عملونو سوغات دی چی ددی ټولنی له سوکالۍ او جوړښت سره په ټکر کی دی. دا یو څرګند واقعیت دی، د تیرو وختونو کړه وړه، چی د هر چا له خوا وشول او یا ترسره شول، د هندارې په څیر زموږ په فکر او ذهن کی پاته دی او ددی هیواد په تاریخ کی دتل لپاره ثبت شوي دي. موږ هیڅکله هم وخت ته ارزښت ورنکړ، د خپلې ټولنې جوړښت او سوکالی ته مو پام ونکړ او د خپل عمر ډیره برخه مو د بد بینۍ، کرکې، نفرت او په ځان غوښتنی باندی تیر کړ، چې په پایله کی پاتی ۷مخ

مرګ و برادرش در ...

مرګ و برادرش، محتوایی اجتماعی دارد؛ در واقع گزارشی است از وضعیت نا به سامان مردم این کشور به ویژ «کابل عجیب» کابلی که مرګ و زندگی هم زمان در جاده هایش به شکل وحشتناک و شگفتی انگیزی نفس می کشند و کابلپانی هم شبیه پرنده های معصوم در فضای زندگی شان در پروازند. از مرګ نمی هراسند. عاشق زندگی اند، مرګ رفیق شان شده، زندگی رفیق شان است، با مردن عادت کرده اند، با زندگی عادت دارند و زندگی اینجا تصادفی و اتفاقی ست، هر کی مُرد خدا ییامزدش و هر کی ماند، نوش جانش!

مرګ و برادرش، نویسنده با متن شیوا و شگرد جذابی که دارد، دست مخاطب را می گیرد و به خیابان و کوچه و پس کوچه های شهر می برد و «کابل عجیب» را نشان میدهد. کابلی که همه چیز در آن نابه سامان است و هیچ چیزی سر جایش نیست: از تکیه ران شروع تا ملای مسجد و کارگر و کارمند و پولدار و بی پول و پیر و جوان و زباله فروش و گورکن و تابوت فروش و حتا گدای روی جاده و سگ های کوچه ... همه، افرادی که در آن زیست دارند به نحوی در بی خودی و سرگردانی به سر می برند.

در رمان، مرګ من حیث یک حقیقی ویرانگر بر زندگی انسان های این جغرافیا

سایه افکنده است، این حقیقت توسط ماجراهای خلق شده در رمان، از زاویه های مختلف نشان داده می شود؛ مرگی که حالا به شکل طبیعی: ساده، آرام، بی حسرت، هم چون برگی که وزش نسیمی که به جویبار می افتد و جویبار می بردش... نیست؛ مرګ حالا سر کوچه، جاده، دکان، خانه، بیرون از خانه، پارک، هوتل، محل کار و... در کمین نشسته و دنبال انسان هاست و هر از گاهی، قرار است بیاید و کسی و کسانی را به فجیع و بی رحمانه یی خود ببرد به آن سوی هایی که، هر کی رفته برنگشته و بر نمی گردد.

مرګ و برادرش، با وجود این که از نثری روان و قشنگ برخوردار است، کاربرد بیش از حد دو اصطلاح: «چرا که» و «حالا» به نظرم کمی به زیبایی متن صدمه زده و به حدی فراوان است که می شود در هر صفحه یی، دست کم در سه جای این دو را یافت که در ۱۵۶ صفحه کتاب «۴۶۸» بار استفاده شده. شاید نویسنده قصداً و من حیث تکیه کلام از این دو استفاده کرده باشد، اما در صورتی که ما واژه های فراوانی داریم که امکان استفاده آن به جای این دو وجود دارد، کاربرد بیش از حد این دو سبب خسته شدن مخاطب می شود.

یکی یاد آور آن دیگری است.

حیدری شاعر کلاسیک سرا و پابند به سنت های ادبی کهن است، او به فرم های مدرن رغبتی نشان نمی دهد، در فرم های کلاسیک فرم دل خواه او غزل است، به حق او یکی از غزل سرایان موفق و پیش گام افغانستان است. او در شعر عارفانه معاصر جایگاه بلندی دارد. شعر او از نظر زبان روان، پیراسته، آهنگین و به دور از ابهام مخل و نا زیباست که بیشترین به موضوعات و رگه های عرفانی آمیخته است. هر گونه دریافت شاعرانه در شعر او با تصوف و عرفان در می آمیزد.

با این همه او در تصویر پردازی، زبان تازه و مدرن دارد. او در ارایه تصاویر شعر هایش از ترکیب ها و ارایه های تازه استفاده می کند.

گاهی غزل های او از چنان شور عاشقانه، زندگی، امید و عاطفه سرشار است که خواننده را به شگفتی اندر می سازد که این همه آتش عشق در سینه این شاعر شصت و چند ساله، چگونه زبانه می کشد. چقدر خوش بخت اند آنانی که سینه و هستی شان به جای گاه مقدس آتش عشق بدل می شود و این چه سینه های پاک و بهشتی است که این همه سوزندگی عشق و عرفان را در خود جا داده است.

در روزگاری که سینه های دنیا پرستان به صندوق ماران بدل شده است این گونه شاعران چه مقدار خوش بخت اند که نه تنها سینه ها، بلکه تمام هستی در نظر آنان به تجلی گاه عشق یار بدل می شود. به گفته ابوالمعانی میزا عبدالقادر بیدل: هجوم جلوه یار است ذره تا خورشید به حیرتم من بیدل، دل از کی بر دارم من سینه بزرگ استاد حیدری را هم چنان لبریز از آتش عشق و عرفان آرزو می کنم! مردی که اگر در خواب ها و رویاهایش گل گلاب می بیند آن را نه در شاخه یی می بیند، بلکه در چمنی می بیند، چمنی که خود به یک دشت گل گلاب استحاله پیدا می کند.

دی شب چمنی به خواب دیدم

یک دشت گل گلاب دیدم

حیدری وجودی، آخرین حلقه از ...

بشنو از نی چون حکایت می کند

از جدایی ها شکایت می کند

این صدا، صدایی است که از حلقه مثنوی خوانی حیدری وجودی به گوش می رسد، صدای شاعری که سال هاست با مشعل جاودانه اندیشه و کلام مولانا جلال الدین محمد بلخی در سرزمین تصوف و عرفان راه می زند. در این آوان پیوسته شماری از جوانان دل بسته به ادبیات و عرفان به کتاب خانه عامه کابل می آیند، به دور حیدری وجودی حلقه می زنند و به آموزش مثنوی معنوی می پردازند.

سال هاست که حیدری در کنار شعر و شاعری، جوانان علاقمند به ادبیات عرفانی و به ویژه مثنوی معنوی مولانا جلال الدین محمد بلخی را با راه اندازی حلقات مثنوی خوانی، آموزش می دهد. از این نقطه نظر او بر شماری از شاعران نسل بعدتر از خود حق استادی دارد. از این نقطه نظر هیچ کسی به پیمانه او در گسترش مثنوی خوانی در پایتخت کشور تلاش نکرده است. حتا آن گاه که شلاق به دستان رسیده از جهنم تعصب و کوردلی بر هر چه روشنایی، عشق و ادبیات بود تازیانه می کوبیدند و دشت ها و کوچه ها را لبریز از هیاهوی تاریکی کرده بودند. نمادهای فرهنگی تاریخی را از بین می بردند و در شهر پلخمیری کتابخانه حکیم ناصر خسرو بلخی را تاراج کردند و بر انبوه کتاب ها آتش زدند. حیدری وجودی در آن سوی مرزهای غربت در پشاور پاکستان هم چنان مشعل مقدس مثنوی خوانی را بر افروخته نگه داشت.

بشنو از نی چون حکایت می کند

از جدایی ها شکایت می کند

از نیستان تا مرا ببریده اند

وز نفیرم مرد و زن نالیده اند

سینه خوام شرحه شرحه از فراق

تا بگویم شرح درد اشتیاق

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

او روی پاره گلیم غربت نیز حلقه مثنوی خوانی راه اندازی می کرد و جوانان پناهنده افغانستان را با شعر و عرفان مولانا آشنا می ساخت. گویی برای آن به پاکستان آواره شده بود تا نگذارد که این مشعل مقدس به دست

متعصبان کوردل خاموش گردد. گویی با این مثنوی خوانی ها تلاش می کرد تا نسل جوان پناهنده، هیچ گاهی ریشه های خود را از یاد نبرند تا آن دور ماندگان از اصل خویش در اندیشه و تلاش روزگار وصل خویش باشند.

چون دور غربت پایان یافت، حیدری باردیگر مشعل مثنوی خوانی را در کتاب خانه عامه کابل روشن ساخت. عمرت دراز باد! استاد حیدری وجودی که گاهی فکر می کنم که با این کار خورشیدی را به تنهایی بر دوش می کشی! همان خورشیدی که این روزها در هر گام هزاران تیر زهر آلود به سویش پرتاب می کنند. می دانیم که آسودگی پرواز خفاشان در زیر چتر تاریکی است نه بر فراز گنبد خورشید!

حیدری را می توان آخرین حلقه از سلسله شاعران عارف و متصوف در افغانستان گفت. او هر چند بنا بر دشواری های زندگی نتوانست به آموزش های تخصصی و عالی بپردازد، ولی از همان سپیده دم جوانی به خود آموزی در عرصه ادبیات پرداخت و بعداً با شماری از استادان و شاعران پیش گام شعر و ادبیات در شهر کابل روابط دوستانه یی ایجاد کرد و بدینوسیله توانست تا از محضر استادان شعر و ادبیات معاصر افغانستان مانند صوفی عشقری، شایق جمال، خال محمد خسته، ملک الشعرا بیتاب، استاد نوید، فکری سلجوقی و بعداً واصف باختری فیض ببرد.

این پیوندها در یک جهت نه تنها سبب رشد استعداد شاعری و آفرینش های ادبی او گردید، بلکه در جهت دیگر زمینه شناسایی او را در حلقات ادبی و فرهنگی شهر کابل به حیث یک شاعر جوان و با استعداد نیز فراهم کرد. او هم اکنون نه تنها یکی از شاعران سرشناس و قابل احترام در افغانستان است، بلکه در تمام حوزه گسترده زبان پارسی دری نیز شاعر شناخته شده یی است.

حیدری سال هاست که در کتاب خانه عامه کابل کار می کند و امروزه این دو نام چنان با هم آمیخته است که

هر ښاري بايد د مسووليت احساس ولري!

پام کي نیولو سره، متي راوغاړی، خپلې مرستې دې ونه سپموی او دخپل وس او توان په کچه دې، دښار خدمت وکړی. همدا راز دښار په کچه چایی، غریزو او انځوریزو رسنیو ته پکارده ترڅو په دې هکله خپل مسوولیت او رسالت سرته ورسوی او د خپلو خپرونو له لارې دې، ښاریان دې ته وهڅوی ترڅو دښاری ستونزو په له منځه وړلو کی له ښاروالۍ سره یوځای برخه واخلی، همدا شان د ښار د جوماتونو ملامامانو او نورو سپین پیرو، دینی علماوو او مخورو ته لازمه ده ترڅو په خپلو وعظونو او لارښوونو سره، ښاریان په دې پوه کړی چې، نظافت او پاکي د ایمان یوه برخه ده او په پام کي نیول یې دهر مسلمان انسان دنده او مسوولیت دی. څنگه چې ښکارې کابل ښاروالۍ دملگرۍ دومره اړین امکانات په لاس کسي نلری ترڅو د شپږو میلیونوپه شاوخواکې ښاریانو له خوا رامنځته شوو ستونزو ته ځواب ووايي، نو له دې امله هر ښاری ته لازمه ده ترڅو د خپل ښار او چاپیریال په پاک ساتلو،آبادولو او سمسورتیا کي د زړه له کومې برخه واخلی، ترڅو له یوې خوا د دوی مسوولیت پرځای شی او بلې خوا به کابل ښاردپر مخکې او ترڅي کاروان ته ځان ورسوي .



با سعی و تلاش همگانی، شهر خود را پاک و زیبا سازیم!

شهر آئینه ایست با صفا که نباید با عملکرد غیر مسوولانه و بی مبالاتی افراد بی پروا و نا آگاه از اصول زندگی شهری، مکدر گردد. جاده‌ها و کوچه‌ها، پل‌ها و کنار دیوارها همه و همه حکایت و شکایت از بی‌توجهی عده‌ای از شهروندان کابل دارد. تعدادی از افراد سود جو و منفعت طلب، با نصب و سرش نمودن پوسترها و اشتهارات شرکت‌ها، مغازه‌ها، کورس‌های آموزشی و سایر مسایل مربوط به کسب و کار شان و یا نوشته‌های بی مفهوم به روی دیوارها، نمای شهر و جاده‌های آن را بد نما می‌سازند. شهر کابل پایتخت کشور نباید با همچو رفتارهای ناپسند، چهره عوض کند و از زیبایی آن با این گونه بی‌توجهی‌ها و بی‌تفاوتی‌ها که صرفاً به خاطر منافع شخصی و یا شعارهای غرض آلود افراد و گروه‌ها است، کاسته شود. این نه تنها وظیفه مسوولین و مؤظفین نواحی شاروالی است تا از این گونه کارها جلوگیری نمایند، بلکه شهروندان عزیز نیز به مثابه کسانی که در این شهر سکونت دارند و باشندگان این شهر محسوب می‌گردند، دین و رسالت شهروندی شان را ادا نموده و مانع این گونه خودسری‌ها و هرچه خواهی بکن‌ها شوند. در هر کنج و کنار جاده‌ها حتی در پایه‌های برق نیز نشانه‌هایی از پوستره‌های کهنه به نظر می‌رسند که واقعاً نظم شهری را زیر سوال می‌برد. پس ای هموطن! در پاکی نظافت و زیبایی شهری که خود را باشنده آن می‌نامی چرا بی‌تفاوتی اختیار می‌کنی؟ شهری که خانه من و توست، چرا این گونه با بی‌مبالاتی‌ها و خودسری‌های رایج، دستخوش چنین وضع باشد؟ بیایید با سعی و تلاش به خاطر بهبود زندگی و محیط و ماحول خود، شهری را که در آن زندگی داریم با صفا سازیم.

ورکشاپ مشورتی...

هر ناحیه شهر صحبت نموده گفت: بانک های معلوماتی که اخیراً از سوی دفتر هیئات ترتیب یافته شاروالی کابل و مردم این شهر را برای دست یافتن به یک نظام بهتر مدرن شهری، جمع آوری عواید به صورت موثر، عرضه خدمات بهتر و تحقق برنامه‌های توسعه‌یی به شکل موثر کمک می‌کند. در اخیر این ورکشاپ، کارهای گروهی غرض تدوین پلان استراتژیک با در نظر داشت گنجاییدن نظریات و پیشنهادات باشندگان هر گذر در این ناحیه انجام یافت. قابل ذکر است که برنامه شهر برای همه،

تأثیر مثبت داشته که ابراز نظر و مشورت اهالی در آن، ما را در غنامندی این پلان کمک و همکاری بیشتر می‌کند. وی هم چنان از بهسازی و معیاری سازی گذرهای پکتیا کوت، قابل بای و یکه توت در آینده نزدیک خبر داد. سپس سید سعدالله وهاب مسوول برنامه شهر برای همه، پیرامون مزایای سروی و ثبت املاک در جهت تدوین بانک معلوماتی، اجرایی شدن پلان‌های عملیاتی با هماهنگی نمایندگان هر گذر، آدرس سازی و مصوونیت املاک و جایداها از طریق صدور سند املاک، رشد و توسعه پایدار و معیاری سازی

مساعدت ۶۰۰۰ اصله نهال از سوی...

درقسمت سرسبزی و پاکی شهر، ساخت و ساز سرک‌ها و عرضه ده‌ها مورد خدماتی دیگر در شهر، روشنی انداخته افزود که، به خاطر حفظ و پرورش نهال‌های تازه غرس شده آمادگی های لازم شاروالی کابل چون حفر چاه‌های آب و ایجاد سیستم منظم آبیاری پایدار«قطره‌یی» در مسیر سرک پل سوخته الی دارالامان و دیگر نقاط شهر روی دست می باشد و هم‌چنان توقع برد تا مردم محل در پیوند به همکاری های همیشگی



مسایل استملاکی سرک...

ملکیت‌های شان تحت پروسه استملاک قرار می‌گیرد اطمینان داده، خاطر نشان ساخت که شاروالی کابل در جهت تطبیق درست پروسه استملاک پلان‌های عملیاتی را روی دست گرفته تا مطابق قانون، کارعملی ساختمان اساسی این سرک آغاز گردد. سپس تعدادی از اشتراک کنندگان این نشست، سوالات و پیشنهادات شان را جهت روشن شدن پروسه استملاک و

مشکلات محیطی ناحیه سوم...

سپس اشتراک کنندگان جلسه به خاطر رفع موانع پروژه‌های عام المنفعه و زیربنایی و اعلام حمایت و پشتیبانی از برنامه‌های شاروالی کابل، نظریات و پیشنهادات شان را مطرح نمودند که از

یو والی او همغږي، انسان خپلې...

هیڅ هم لاسته رانغلل او یوازی مو خپل هیواد، خپله ټولنه او خپل ژوند ته زیان واړاوه. چاچې زموږ هیواد او ټولنې ته زیان اړولئ هغه اوس افسوس کوی او هغه څوک چی عقل یې اوس هم کارنکوی، بیا هم دغه ټولنه د مذ هبی، سیمه ایز، گوندیز، ژبنیز او نژادی توپیرونو په لوری کارې، موږ د سالمو سیالیو په ځای ناسالمې سیالۍ وکړې او هیڅکله مو ملي ځتوته پام ونکړ نو

تحت نظر هیئت تحریر

پامیر از مقالات و آثار ارسالی شما استقبال میکند.

پامیر در رد یا قبول، ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.

پامیر مسوولیت مقالات را به عهده نویسندگان آن میگذارد.

آدرس: مرکز شاروالی کابل

وبسایت: www.km.gov.af

چاپ: مطبعه سپین زر میلاد

دیزاین: احمد مسعود «ستانکزی»

قیمت فی نسخه (۱۰) افغانی.

- هفته دوبرار نشر می گردد.

صاحب امتیاز: شاروالی کابل

مدیر مسوول:

عبدالجلیل «سلطانی»

موبایل: ۰۷۹۹۵۶۹۰۱۸

دیجیتال: ۲۱۰۱۳۵۸

ایمیل آدرس: Jalilsultani@Outlook.com

سگرتز مسوول:

سید مقصود «هوفیانی»

موبایل: ۰۷۹۹۲۱۶۴۵۹

دیجیتال: ۰۷۵۲۰۰۳۹۱۲

«کابل زیبا» در آیین ورزش

تورنمنت والیبال بانوان برگزار شد

فریده عیبدی

فرصت‌های ورزشی، حضور و تشویق ورزشکاران نشاندهنده آن است که، شاروالی کابل در جنب کارکردها و فعالیت گسترده اساسی و مهم زیربنایی و خدماتی در شهر، ایجاد فرصت‌های خوب ورزشی و مصروفیت‌های سالم را برای جوانان نیز در مرکز توجه قرار داده است، به همین دلیل اقدامات اخیر شاروالی کابل، در برگزاری

به منظور نهادینه شدن ورزش و مراعات کردن فرهنگ شهر نشینی و ایجاد مصروفیت سالم برای جوانان، هفته پیش تورنمنت والیبال بانوان زیر نام «کابل زیبا» میان شش تیم برتر شهر کابل در جمنازیوم ورزشی شاروالی کابل راه اندازی شد. در مسابقاتی که بین تیم‌های سره میاشت، شاروالی کابل، اتحاد، الزهرا و تعلیم و تربیه راه اندازی شده بود، تیم‌های شرکت کننده برای دو روز



در برابر هم به رقابت پرداختند که در نتیجه تیم والیبال بانوان سره میاشت مقام اول و تیم والیبال بانوان شاروالی کابل، به مقام دوم نایل آمدند.

پیش از این نیز شاروالی کابل با راه



فعالیت ورزشی دارند که از سوی ترینران نخبه و آموزش دیده برای شان تمرین داده می‌شود و در مسابقات میان تیم‌های برتر شهر کابل، به مقام‌های بلندی نایل آمده‌اند که در آخرین دور مسابقات والیبال بانوان برتر شهر، تیم والیبال بانوان شاروالی کابل، به مقام دوم این تورنمنت دست یافت.

اندازی مسابقات دوش وکوه نوردی را زیر نام «کابل زیبا» در جاده‌های شهر و تپه‌های غرب کابل راه اندازی کرد، در این رقابت‌ها صدها ورزشکار هم از دختر و پسر با هم مصاف دادند که بعد از شناسایی چهره‌های برتر، جوایز ارزشمندی از سوی رهبری شاروالی کابل به ورزشکاران توزیع گردید. ایجاد

زمین را آلوده نسازید!

زباله دانی‌ها خالی، زباله‌ها هر طرف پراکنده

بربار سخن می‌گوییم، آیا در فرهنگ چند هزار ساله این شهر و این کشور، همین رسم وجود داشت؟ یک تعداد از شهریان به جای این که خود را مقصر بدانند و سهم شهروندی شان را در حفاظت از محیط زیست و پاک‌ی شهر ایفا نمایند، برخلاف مهر ملامتی را بر جبین نظیف شاروالی می‌کوبند، با این حال این پرسش به میان می‌آید، اگر ما در نظافت شهر، خود را سهم ندانیم و در پراکنده سازی آلودگی‌ها دخالت داشته باشیم، چگونه ممکن خواهد بود که اداره نظیف شاروالی، با این همه کمبود نیروی بشری، این شهر پنج و یا شش میلیونی را قدم به قدم جاروب بکشد و زباله‌ها را بردارد؟

می‌کنیم، باید در قسمت حفاظت صحت و سلامت خود و هم‌چنان به خاطر پاک‌ی هوا و فضای شهر خود سعی نماییم، به خصوص در این روزها که هوا گرم شده و مواد خوراکی اضافی و سایر کثافات و زباله‌ها به منبع تولید و تکثر حشرات و پیشه‌های ناقل امراض تبدیل می‌شود. انداختن کثافات و زباله‌ها در جاهای نامناسب، علاوه بر این که زیبایی محیط کار و زندگی ما را زشت می‌سازد، فراتر از آن در این موسم تولید و تکثر پشه‌ها، سلامتی ما را نیز به مخاطره می‌اندازد. در کشورهای دیگر انداختن کثافات در روی سرکه‌ها و در راه عام و کنار جاده‌ها نه تنها یک جرم، بلکه گناه بزرگ نیز شمرده می‌شود. وقتی که ما از فرهنگ غنی و

شاید بارها چشمان ما به زباله دانی‌های افتاده باشد که، درون آن خالی و اما در اطراف آن زباله‌ها پراکنده افتیده است، شاید این کار به یک عادت مبدل شده باشد و می‌گویند که، ترک عادت موجب مرض است! آیا گاهی از خود پرسیده ایم که این کار ما چه ضرر و زبانی را به نظافت شهر و فراتر از آن به صحت ما وارد می‌کند؟ یک کارگر نظیف که زباله‌های پراکنده اطراف زباله دانی را جمع آوری می‌کرد گفت: شما ببینید درون زباله دانی خالی و اطراف آن پر از زباله، آیا این کار درست است، پس گذاشتن این همه زباله دانی‌ها به چه درد می‌خورد؟!)

پاک‌کاری و تأمین نظافت شهر، تنها و تنها وظیفه و مکلفیت شاروالی نیست، بلکه هر یک از ما که در این شهر زندگی

د ښار او چاپیریال پاک ساتل، زموږ ټولو دیني او ملي مسوولیت دی

الیاس

مرغه زمونږ په هیواد په تیره کابل ښار کې دگوتو په شمیر خلک شته دي چي د خپل ښار او چاپیریال پاکوالي ته پام کوي . که نن ورځ د کابل ښار یو شمیر سیمو ته وکتل شي نو وبه لیدل شي چې، هر لوري ته د کثافاتو او نورو ناولتیاوو نښې نښانې په سترگو کیږي چې له امله یې د یو لړ ناروغيو د خوریدو زمینه برابريږي ، لامل یې دادی چې ځني ښاریان د ښار او چاپیریال پاکوالي ته هیڅ راز پاملرنه نکوي او دغه کار یوازې د ښاروالۍ دنده بولي . په پخوا وختونو کې به په میاشت کې یو یا دوه واري د ښار پاکولو په موخه ډله ایزو کارونه (حشر) ترسره کیدل چې ډیرو خلکو به پکې په ډیرې مینې او علاقي سره ګډون کاوه او هر چا به هڅه کوله ترڅو خپل چاپیریال پاک وساتي، خو څنگه چې ښکاري نن ورځ

په دې ټول پوهیږي چې د انسان روغتیا او سلامتیا په پاکۍ او نظافت پوري تړلې ده . که په یوه ټولنه کې هر څومره پاکي او نظافت په پام کې ونیول شي او هر څوک خپل چاپیریال پاک وساتي په هماغه اندازه هلته کې د انسان روغتیا او سلامتیا خوندي وي او دناروغۍ ډیرې لږې نښې نښانې لیدل کیږي. که دنړۍ نورو هیوادونو ته څیر شو نو وبه ګورو چې هر څوک هڅه کوي تر څو خپل چاپیریال پاک او له کثافاتو او نورو ناولتیاوو څخه یې په امن کې وساتي او تل دښارونو او نورو برخو په پاکولو کې له اړوندو ارګانونو سره اوږه په اوږه کار کوي او نه غواړي چې، ښار او چاپیریال یې ناولی او ککړ وي . همدارنګه ده چې په داسې ټولنو کې سمسورتیا او ښیرازه توب ډیروي خو ناروغي ډیره لږه تر سترگو کیږي .خوله بده



شي .